

امنیت ملی در قرآن کریم

محمدهادی کاویانی*

دکتری حقوق عمومی و مدرس پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳)

چکیده

امنیت ملی موضوعی است که چندبُعدی بودن آن و مسئولیت دولت‌ها در فراهم آوردن آن برای شهروندان، نیز، سوءاستفاده آن‌ها از این موضوع برای تحکیم موقعیت سیاسی خود بر پیچیدگی مفهومی و مصداقی آن می‌افزاید. در ساده‌ترین تعریف، امنیت ملی امنیت مردمی است که در جغرافیایی خاص تحت حاکمیت نظامی سیاسی - حقوقی می‌زیند. طبعاً امنیت این زیست اجتماعی اقتضا می‌کند تهدیدهایی که موجودیت این موضوع را به خطر می‌اندازند دفع شود. بر اساس نظریه امنیت ملی، برای تحقق این امنیت باید تهدیدهای پنجگانه نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی منتفی شود. بر مبنای این نظریه، تهدیدهایی که نفی آن‌ها در قرآن برای تحقق امنیت ملی در جامعه آن روزگار مورد توجه قرار گرفته فقط تهدیدهای اجتماعی و اقتصادی است. تهدید نظامی، که موجودیت جامعه مورد نظر قرآن، یعنی مکه، را به خطر می‌انداخت با معجزه الهی ابابیل منتفی شد و تهدید سیاسی به دلیل بدوی بودن آن جامعه و عدم حضور دولتی منسجم، حتی با کارویژه‌های دولت‌های موجود در آن روزگار، ممکن نیست تهدید زیست‌محیطی نیز موضوعاً منتفی است.

کلیدواژگان

امنیت، امنیت ملی، تهدید، قرآن.

مقدمه

امنیت ملی، به منزله شاخه‌ای از مباحث امنیت‌پژوهی، موضوعی چندلایه و چندبُعدی است که به تحلیل امنیت در دولت - کشور^۱ به مثابه یک واحد سیاسی می‌پردازد. برای شناخت مفهوم امنیت، نخست باید مرجع امنیت، یعنی آنچه قرار است امنیت آن حفظ شود، و بعد ابعاد آن معلوم شود. همچنین، تهدیدها و نوع و شدت آنها، که مهم‌ترین بُعد است، باید روشن شود. با شناسایی این اضلاع، که در حقیقت مؤلفه‌های امنیت‌اند، امنیت مفهوم و مصداق پیدا می‌کند. برای بررسی این موضوع در قرآن، باید دو واژه بررسی شود. نخست واژه امنیت که ریشه و مصدر و مشتقات آن در باب‌های ثلاثی مجرد و مزید است. اسم فاعل از ثلاثی مجرد به تکرار در قرآن استفاده شده و مشتقات این واژه در باب افعال اصلی‌ترین و مهم‌ترین واژه اعتقادی، یعنی ایمان، را به وجود می‌آورد و اتفاقاً پرتوی از همین معنا در این واژه مورد ملاحظه قرار گرفته است و در آینده به آن پرداخته خواهد شد. دومین واژه قریه، بلد، مدینه، و هر واژه‌ای است که مفید این معنا باشد. یعنی اجتماعی از مردم که با هم زندگی می‌کنند. طبعاً این اجتماع اقتضائاتی دارد که مهم‌ترین آن وجود نظامی حقوقی در سایه حاکمیتی است که ضامن اجرای آن نظم است. با استفاده از کلیدواژه قریه، که در ادبیات قرآن به معنای شهر است، به بررسی وضعیت شهر پرداخته می‌شود و ویژگی‌های آن، به‌خصوص وقتی در آیات قرآن به شهر امن متصف می‌شود، مورد مذاقه قرار می‌گیرد. بررسی این وضعیت در مورد مکه، به عنوان شهری نمونه که در قرآن از آن به شهر امن یاد شده، این بحث را به نهایت می‌رساند.

به این ترتیب امنیت مکه و جمعیتی که بعد از تجدید بنای کعبه شریف، به دست حضرت ابراهیم، پیامبر بزرگ الهی، در اطراف آن گرد آمده بودند و با نظامی قبیله‌ای دولت - شهری را به وجود آورده بودند می‌تواند به منزله جامعه هدف در موضوع امنیت ملی مورد مطالعه قرار گیرد. طبعاً بررسی ابعاد و تهدیدات این جامعه و گزارشی که قرآن کریم و تفاسیر آن از این موضوع ارائه می‌دهد می‌تواند به تحلیل این موضوع در قرآن کمک کند. بنابراین، سؤالاتی که در این تحقیق باید به آن پاسخ داده شود نخست سه‌ضلعی شناسنده امنیت و مؤلفه‌های سازنده آن است و

دیگری نگاه قرآن بر وجود یا نبود این مؤلفه‌ها برای تحقق این موضوع در این کتاب آسمانی. لازم است ابتدا ترمینولوژی این موضوع در قرآن بررسی شود.

واژه‌شناسی امنیت در قرآن

برای بررسی این موضوع در قرآن شایسته است ابتدا به لحاظ لغوی ریشه‌های این واژه در قرآن و همچنین واژگان مشابه بررسی شود. طبعاً واژه «امن» اولین این واژگان خواهد بود و کلماتی مشتق از این واژه که در باب‌های مختلف در قرآن آمده، باید بررسی شود. «سلام» واژه دیگری است که شباهت معنوی به امنیت دارد. «سکینه» نیز، که چه بسا نزدیک‌ترین معنا را البته با تفاوت‌هایی با واژه امنیت دارد، کلیدواژه دیگر است. «اطمینان» و واژگان هم‌ریشه با آن لغت دیگری است که باید بدان توجه شود. این‌ها لغاتی هستند که شباهت معنوی با واژه امنیت دارند. برای شناسایی مفاهیم، غیر از واژگان مطابق و مشابهی که ذکر شد، از واژگان نقیض یا ضد نیز می‌توان کمک گرفت. بنابراین، جفت واژگان «خوف و حزن» و «خوف و جوع» می‌تواند کمک‌کننده باشد.

- «امن»، ثلاثی مجرد، به معنای ایمنی و آرامش قلب و خاطر جمع بودن. «فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا» (بقره/ ۲۸۳). اگر بعضی از شما به بعضی خاطر جمع باشد؛ یعنی به او اطمینان داشته باشد که خیانت نخواهد کرد. یا «أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْاَلْفُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ» (اعراف/ ۹۷). آیا اهل شهرها ایمن‌اند که عذاب ما شبانه، آن‌گاه که در خواب‌اند، به سوی آنان بیاید. یا «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا» (بقره/ ۱۲۵). خانه کعبه را برای مردم مرجع و ایمن قرار دادیم.

- «آمن»، اسم فاعل، به معنای خاطر جمع و کسی که در او ایمنی است یا شهری که ایمن است. «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران/ ۹۷) (قرشی ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۲۳). «امنتکم»، «تأمنه»، «یأمن»، و «آمن» صیغه‌هایی از همین باب است که در سوره‌ها و آیات مختلف با همین معنا آمده است.

- «ایمان»، باب افعال، به معنای تسلیم توأم با اطمینان خاطر است. در هر حال ایمان به معنای اعتقاد و تصدیق نیست، بلکه به معنای تسلیم است. مؤمن کسی است که به حق تسلیم است و همین تسلیم برای او اطمینان می‌آورد (قرشی ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۲۵).

- «سَلَم» و «سلامت» و «سلام» یعنی کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی. «اذ جاء ربه بقلب سليم» (صافات / ۸۴). ب سلیم آن است که از شک و حسد و کفر و غیره سالم و پاک باشد. گاهی سلام قولی است و آن دعا و خواستن (و تقاضای) سلامت از خداوند به شخص است. «سلام علیکم» یعنی سلامت باد از خدا بر شما. «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس / ۵۸). این سلام قولی از جانب خداوند است که به اهل بهشت اعلام می‌شود و می‌دانند که پیوسته در سلامت و امن خواهند بود (قرشی ۱۳۶۴: ج ۳، ۲۹۷).

- «تسلیم»، باب تفعیل، به معنای سلام کردن است. «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب / ۵۶). و نیز به معنای انقیاد و اطاعت به کار رفته است. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء / ۶۵). از حکم تو در دل خویش تنگی احساس نکنند و تسلیم و منقاد محض شوند (قرشی ۱۳۶۴: ج ۳، ۳۰۰).

- «اسلام»، باب افعال، انقیاد و تسلیم شدن است. «و له اسلم من فی السموات و الارض» (آل عمران / ۸۳). آن که در آسمان‌ها و زمین است به او منقاد و مطیع‌اند (قرشی ۱۳۶۴: ج ۲، ۳۰۰).

سلام کردن که تحیتی است و در آداب معاشرت بر آن تأکید فراوان شده و شیوه‌ای برای ارتباط روزمره افراد با هم است، در واقع، ایمن‌انگاری کسی است که بر او سلام شده است. با سلام دادن شخص سلام‌کننده اطمینان می‌دهد به سلام‌شونده که تو از ناحیه من در امانی و تعدی و ظلمی از جانب من به تو نخواهد رسید. چون «اولین چیزی که در هر اجتماع بین افراد لازم است این است که هر فرد در جان، مال، و عرض خود و هر چه به این سه مطلب برگشت داشته باشد از دست دیگران در امان است.» (تاج‌دینی ۱۳۸۱: ۳۰۳). القای سلام، به عنوان تحیت، اعلام این موضع است. سلام و امنیت دارای معنای نزدیک به هم هستند. «تنها فرقی که بین این است که سلام امنیتی است که بذاته مورد نظر است. اما امنیت عبارت از سلامتی است با ملاحظه نسبت آن به چیزی که انسان از آن سالم مانده است.» (تاج‌دینی ۱۳۸۱: ۳۰۴). به عبارت دقیق‌تر معنای امنیت در معنای سلبی ناظر به همه چیزهای ناپسندی است که با فقدانشان سلامتی و ایمنی حاصل می‌شود و در معنای ایجابی تحقق همه چیزهایی است که با وجود آن‌ها سلامتی و ایمنی به دست می‌آید. ولی سلام بدون لحاظ عناصر تهدیدکننده و تحقق‌بخش امنیت و فقط ناظر به وضعیت امن است.

- «سکن»، ثلاثی مجرد، به معنای آرام گرفتن بعد از حرکت است. «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ». (روم / ۲۱). زوج نسبت به زوج دیگر مایه آرامش و انس است. این کلمه به معنای آرامش باطن و انس نیز آمده است. «و جعل منها زوجها ليسكن اليها». (اعراف / ۱۸۹).

- «سکینه»، صفت مشبهه، به معنای آرامش قلب و اطمینان خاطر. «هو الذي انزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا ايمانا». (قرشی ۱۳۶۴: ج ۲، ۲۸۲).

این واژه اگرچه از «سکون» گرفته شده (نوع خاصی از اطمینان و آرامش نفسانی است که خداوند هر جا در کلام خود از آن نام می‌برد به عنوان منت از سوی خود بر رسول الله و مؤمنان اسم می‌برد). (تاجدینی ۱۳۸۱: ۳۰۲). این واژه شش بار در قرآن به صورت مجرد یا اضافه شده به ضمیر آمده است^۱ که در همه آن‌ها سکینه و آرامش خاطر به خداوند نسبت داده شده و گویا با این اسناد خداوند در قرآن اعلام می‌دارد که آرامش انسان‌ها فقط عطیه خداوندی است و بدون اعطا از سوی او آرامشی وجود نخواهد داشت.

- «طمین» اطمینان به معنای سکون و آرامش خاطر است و آرامش بعد از پریشانی. «قالوا نريد ان ناكل منها و تطمئن قلوبنا». (مائده / ۱۳) (قرشی ۱۳۶۴: ج ۴، ۲۳۹).

زوج واژگان «خوف و حزن» و «خوف و جوع» که در آیات متعددی از قرآن کریم وجود

۱. مجموعاً در شش آیه صورت‌های مختلفی از این واژه آمده است:

بقره / ۲۴۸: «إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ.»

فتح / ۴: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا.»

فتح / ۱۸: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَ أَنَابَهُمْ فَتَحَا قَرِيبًا.»
 توبه / ۲۶: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَ عَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ.»
 توبه / ۴۰: «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَتَدُّهُ بَجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَ جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.»
 فتح / ۲۶: «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَلَزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَ كَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَ أَهْلَهَا وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا.»

دارد (بقره/ ۱۵۵؛ نحل/ ۱۱۲؛ قریش/ ۴). به دو آیه (نحل/ ۱۱۲؛ قریش/ ۴) در خلال بحث اشاره می‌شود و در آیه ۱۵۵ بقره «خوف و جوع» ابزار امتحان و آزمایش الهی معرفی شده است. فقط در آیه اول «خوف و جوع» ابزار امتحان و آزمایش الهی معرفی شده است.^۱

خوف و حزن: بقره/ ۳۸، ۶۲، ۱۱۲، ۲۶۲، ۲۷۴، ۲۷۷؛ آل عمران/ ۱۷۰؛ مائده/ ۶۹؛ انعام/ ۴۸؛ اعراف/ ۳۵، ۶۹؛ یونس/ ۶۲؛ احقاف/ ۱۳؛ زخرف/ ۶۸؛ فصلت/ ۳۰؛ اعراف/ ۴۹؛ قصص/ ۷. غالب این آیات با توجه به قرائنی که در آنها موجود است ناظر به احوال روز قیامت است که از موضوع این نوشته خارج است.

مفهوم و مؤلفه‌های امنیت ملی

همان‌طور که بیان شد، امنیت مفهومی چندضلعی است که با شناسایی اضلاع آن فهمیده می‌شود و با تحقق آنها مصداق پیدا می‌کند. به دیگر سخن، از یک سو ابعاد سلبی و ایجابی امنیت و از سوی دیگر ابعاد عینی و ذهنی، به منزله ضلع اول امنیت، بدان مفهوم می‌بخشد و موجب تحقق آن در هر سطحی می‌شوند.

ضلع دوم امنیت هدف امنیت است که با بررسی آن معلوم می‌شود با تحقق امنیت چه چیزی قرار است در وضع ایمن قرار بگیرد و امنیت آن تأمین شود. این مؤلفه را مرجع امنیت می‌گویند. در حقیقت، اختلاف سطوحی که در مباحث امنیت‌پژوهی مطرح می‌شود و تعابیری همانند امنیت فردی، اجتماعی، ملی، و بین‌المللی را می‌آفریند از تفاوت در مرجع امنیت حاصل می‌شود.

در ضلع سوم به موضوع تهدید و میزان و شدت تهدید پرداخته می‌شود؛ اینکه تهدید چیست و به چه صورت و در چه حوزه‌هایی و به چه میزانی بروز می‌کند؟ به این ترتیب برای فهم موضوع امنیت در همه سطوح باید این اضلاع را شناسایی کرد.

برای شناسایی سطح امنیت، باید هدف آن مشخص شود و اینکه به چه چیزی قرار است توجه شود. هدف امنیت، در امنیت‌پژوهی، مرجع امنیت تعبیر می‌شود. در امنیت ملی، همان‌طور که از عبارت آن فهمیده می‌شود، قرار است امنیت یک ملت تأمین و محافظت شود. برای تحقق این هدف، با استفاده از سازوکارهای حقوقی - سیاسی، باید امنیت کشور حفظ شود تا از قبل آن امنیت

۱. «وَلْيَبْلُوكُمْ بَشِيرًا مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ».

ملی تأمین شود. توضیح بیشتر آنکه کشور بر اساس تعاریفی که اندیشمندان حقوق عمومی و حقوق اساسی از آن ارائه می‌کنند عبارت است از «جماعت انسانی مستقر در سرزمین مخصوص با سازمانی که نتیجه آن برای گروه مورد نظر نیروی برتر عملکرد و فرماندهی است» (قاضی ۱۳۶۸: ۱۷۹). این جماعت انبوه انسانی با عنصری نادیدنی به نام همبستگی ملی طوری به هم پیوسته‌اند که تشکیل یک ملت را می‌دهند، با هویتی مستقل که آن را از سایر ملل جدا می‌کند. امنیت ملی یعنی تأمین امنیت این جزء از کشور، که بدیهی است ایمنی آن با امنیت کشور در معنای عام حقوقی آن گره خورده است و با تحقق امنیت برای دو جزء دیگر محقق می‌شود.

بنابراین، برای تأمین امنیت ملی، باید امنیت موجودی سیاسی - حقوقی، به نام کشور، تأمین و حفظ شود. وسعت و گستره جغرافیا و تعداد جمعیتی که در این جغرافیا زندگی می‌کنند برای تشکیل جامعه مورد نظر اهمیت چندانی ندارد. آنچه مهم است تشکیل اجتماعی از انبوه انسان‌ها در جغرافیایی خاص با نظامی سیاسی و اجتماعی است که تحت آمریت یک حکومت دولت - کشور یا حتی دولت - شهری را تشکیل می‌دهد و امنیت ملی امنیت آن واحد سیاسی - اجتماعی است. بنابراین، امنیت ملی در حقیقت حفظ امنیت موجودی به نام کشور است. حال در این نظریه از امنیت‌پژوهی برای حفظ امنیت ملی یک واحد سیاسی باید تهدیدهای پنجگانه‌ای که این تئوری با آن قوام یافته برطرف شود و آن واحد ملی از آن‌ها مصونیت یابد.

در خصوص ابعاد امنیت و شناسایی وجوه سلبی و ایجابی آن باید گفت بُعد سلبی امنیت مصونیت مرجع امنیت از هر گونه تعرضی است که می‌تواند موجودیت آن را به خطر بیندازد و آن را از بین ببرد. برای تحقق امنیت ملی هیچ‌یک از تهدیداتی که امنیت کشور را به خطر می‌اندازند نباید فرصت وجود پیدا کنند و در صورت وجود باید معدوم یا حداقل غیرفعال شوند. گفتنی است این معنا از امنیت قدر متیقن و معنای حداقلی از امنیت است. بدین ترتیب وقتی چیزی یا فرد یا منطقه‌ای امن می‌شود که دیگر تعرضی به آن‌ها وجود نداشته باشد.

از آنجا که امنیت موجودی سیال و مستمر و گسترش‌پذیر است و ایستایی آن به مرگ و عدم امنیت می‌انجامد، توقف در بعد سلبی امنیت موجب توقف گسترش‌پذیری و در نهایت از بین رفتن زیربنای امنیت در جامعه می‌شود. چون معلوم نیست تا کی در جامعه این توان وجود دارد

که تهدیدها را دفع کند و از آنها مصونیت یابد. بنابراین، برای تحقق امنیت و پایداری آن، باید بعد ایجابی امنیت تحقق یابد تا وضعیتی به وجود آید که تولید تهدید به حداقل برسد. بدین ترتیب، در کنار تحقق بعد سلبی و مصونیت‌یابی جامعه از خسارت تهدیدها، باید بعد ایجابی آن تحقق یابد تا با آن اصلاً زمینه‌ای برای تهدید به وجود نیاید. بدین ترتیب امنیت پایدار به وجود می‌آید و استمرار می‌یابد.

علاوه بر ابعاد سلبی و ایجابی، بعد عینی امنیت وجود همه مؤلفه‌هایی است که با وجود آنها امنیت تحقق پیدا می‌کند؛ خواه سلبی باشند خواه ایجابی. بعد ذهنی امنیت در مقابل بعد عینی درک و چگونگی احساس و میزان امنیت توسط مردم است. توضیح بیشتر آنکه امنیت را باید افراد درک و حس کنند. این درک کاملاً درونی و شخصی و تجربی است و در هر فرد متفاوت با دیگری است. توضیح بیشتر این بعد از امنیت به مناسبت در مباحث بعدی خواهد آمد.

تهدید ضلع دیگر شناسنده امنیت است که در جوامع مختلف کاملاً متفاوت است. در تهدیدها باید به میزان تهدید، دوری و نزدیکی آن، و آسیب‌های احتمالی آن توجه شود. تهدیدهای شدیدی که از آن به تهدید وجودی^۱ تعبیر می‌شود و می‌تواند موجودیت مرجع امنیت را به خطر بیندازد ممکن است در حوزه‌های مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، یا ... باشد که برای تأمین امنیت مدیریت و خنثی‌سازی تهدید باید مورد توجه مسئولان سیاسی و امنیتی قرار گیرد.

از آنجا که مؤلفه‌های تأمین‌کننده امنیت در حقیقت صورت تحقق‌یافته همین اضلاعی است که در فهم این موضوع به کار گرفته شد، باید برای تأمین امنیت وجود این مؤلفه‌ها را تحقق بخشید. بنابراین، امنیت ملی وضعیتی است که در آن تهدیدهای داخلی و خارجی یک کشور مدیریت می‌شود و خسارت‌های احتمالی آن به حداقل می‌رسد. در این گفتمان از امنیت، امنیت کلان واحدهای ملی با تحقق امنیتی متکثر در ابعاد پنجگانه تأمین می‌شود؛ ابعادی که باری بوزان^۲، مبدع دانمارکی^۳، در نظریه خود پیشنهاد داد. طبعاً از آنجا که این نظریه ادامه امنیت واقع‌گرایانه است، امنیت ملی با مصونیت‌بخشی از تهدیدهای پنجگانه مورد نظر او - یعنی تهدیدهای نظامی، سیاسی،

1. Existential Threat

2. Barry Bozan

۳. در مباحث امنیت‌پژوهی از این نسخه از امنیت واقع‌گرایانه به مکتب کپنهاگ (Copenhagen School) تعبیر می‌شود.

اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی - تحقق می‌یابد که در ادامه، طی چند بند، گزارشی از آن‌ها ارائه می‌شود. البته، در امنیت‌پژوهی‌های اخیر، با تغییر رویکرد از امنیت سلبی به امنیت ایجابی، گفتمان‌های جدیدی از امنیت ایجابی با عناوین امنیت انسانی^۱ یا امنیت نرم^۲ مطرح شده است.

تهدید نظامی: در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های امنیتی، تهدید نظامی بالاترین اولویت را دارد. این تهدید، که با حمله مستقیم به یک کشور رخ می‌دهد، از تعرض به مرزها و تمامیت ارضی گرفته تا اشغال نظامی، همواره متوجه موجودیت یک کشور است.

تهدید سیاسی: تهدید سیاسی متوجه ثبات سیاسی و حاکمیتی یک کشور است. از آنجا که دولت موجودی سیاسی است، این تهدید می‌تواند به اندازه تهدید نظامی پرهزینه باشد. دولت‌ها معمولاً این تهدید را متوجه کل کشور می‌دانند و با آن به مثابه بزرگ‌ترین تهدید برخورد می‌کنند. تهدید اجتماعی: تهدید اجتماعی متوجه یک ملت و هویت ملی آن و نیز متوجه گروه‌های داخلی با حفظ هویت مستقل آن‌هاست. در این نوع تهدید به ارزش‌ها و عوامل هویت‌بخش ملت‌ها و گروه‌های اجتماعی تشکیل‌دهنده آن حمله می‌شود تا با آن زمینه برای سایر تهدیدها، از جمله فروپاشی یک ملت، آماده شود.

تهدید اقتصادی: امروزه از آنجا که جنگ‌ها و تعارضات بین‌المللی با اهداف کلان اقتصادی آغاز می‌شود و اقتصاد خرد هم به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به این ترتیب افراد جامعه درگیر آن می‌شوند، تهدید اقتصادی پیچیدگی‌های خود را دارد. چون استمرار این تهدیدها می‌تواند به تهدید وجودی و فروپاشی یک جامعه منجر شود.

تهدید زیست‌محیطی: تهدید زیست‌محیطی از تهدیدهای ناشناخته و البته پیچیده برای امنیت یک کشور است که معمولاً عواملی فراملی دارد و بنابراین مقابله با آن از عهده یک یا چند کشور خارج است.^۳ برای مطالعه امنیت ملی در قرآن، اضلاعی که برای شناسایی امنیت مطرح شد به منزله مؤلفه‌های امنیت ملی بررسی می‌شوند.

1. Human Security

2. Soft Security

۳. در تبیین و تفصیل تهدیدها در نظریه امنیت ملی از کتاب مردم، دولت‌ها، و هراس (نوشته بوزان باری، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸) استفاده شد.

همان‌طور که آمد، امنیت ملی گفتمانی معاصر در مباحث امنیت‌پژوهی است و با امنیت ملی که قانون اساسی در اصل ۱۷۶ قانون اساسی مقرر داشته متفاوت است. پس، مؤلفه‌های تحقق آن هم متفاوت است.

قرآن و امنیت ملی

همان‌طور که گفته شد، امنیت ملی امنیت یک جامعه انسانی است که تحت نظم سیاسی و حاکمیتی خاص در جغرافیایی مشخص به‌سر می‌برند. از این جوامع در قرآن با تعبیر قریه^۱ یاد می‌شود. «قریه در اصل نام برای محلی است که مردم در آن جمع می‌شوند و گاهی به خود انسان‌ها نیز قریه گفته می‌شود. بنابراین، مفهوم گسترده‌ای دارد که شهرها را شامل می‌شود و هم روستاها را. هرچند در زبان فارسی فقط به روستاها اطلاق می‌شود؛ ولی در لغت عرب و در قرآن مجید کراراً به شهرهای مهم و عمده، مانند مصر و مکه و امثال آن، اطلاق شده است.» (مکارم شیرازی ۱۳۸۱: ج ۱۸، ۳۴۰). مثال اعلامی این منطقه در قرآن مکه شریف است که با دعای پیامبر بزرگ الهی، حضرت ابراهیم^(ع)، و اجابت دعای او از سوی خداوند امنیت در آن برقرار شد. صفاتی که برای این نوع جوامع در قرآن ذکر شده ما را به پاسخ سؤال اصلی این مقاله، که تبیین امنیت ملی در قرآن است، می‌رساند. همچنین، امنیت مکه، به منزله یک دولت - شهر، قبل از اسلام و هم‌زمان با اسلام، بر اساس گزارش‌هایی که قرآن کریم ارائه می‌کند، می‌تواند مستندی برای امنیت‌پژوهی در قرآن باشد.

در آیه ۱۱۲ سوره نحل^۲ آمده: «و خداوند اهل شهری را مثال می‌زند که امن و آسوده به‌سر می‌برد و روزی آن از هر سو به خوشی و فراوانی می‌رسید. آن‌گاه به نعمت‌های الهی کفران ورزید و سپس خداوند به کیفر کار و کردارشان بلائی فراگیر گرسنگی و ناامنی را به آنان چشاند.» در این بخش از سوره نحل خداوند بخشی از نعماتی را که به انسان‌ها ارزانی داشته معرفی می‌کند و ضمن شمردن آن‌ها عقوبت ناسپاسی آن نعمت‌ها را هم بیان می‌کند. در این آیه، بدون

۱. قری به معنای جمع کردن. شهر را از آن جهت قریه گویند که مردم در آن جمع شده‌اند. اکثر استعمال این واژه در شهر است و گاهی به معنای روستا نیز می‌آید (قرشی ۱۳۷۸: ج ۵، ۵۱۱).

۲. «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.» (نحل / ۱۱۲).

اشاره به منطقه‌ای خاص، مثالی را ذکر می‌کند. این شیوه در ادبیات قرآنی رایج است که خداوند بخشی از سنت‌های خود را در قالب مثال بیان می‌کند.

امنیت، اطمینان، و رزق فراوان نعماتی است که خداوند برای این قریه و ساکنانش مقدر کرده است. ترتیب نعمت‌های سه‌گانه در این آیه را شاید بشود این‌گونه تحلیل کرد. امنیتی که اولین نعمت ارزانی‌شده به این منطقه است به معنای مصونیت از تعرض است. این قریه و ساکنان آن به دلیل وجود کعبه معظمه^۱ یا هر دلیل دیگری از تعرض مصون شده است. مصونیت از تعرض هم اولین جلوه از امنیت است و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد برداشت حداقلی از امنیت است. این امنیت برای قریه و ساکنان آن شاید به سبب جایگاه خاص آن منطقه تحقق یافته است.

اطمینان و آرامش خاطر دومین نعمتی است که برای ساکنان این منطقه، به علت مصونیت پیش‌گفته، به وجود آمده است. همان‌طور که آمد، جلوه ذهنی امنیت، که از آن به احساس امنیت^۲ تعبیر می‌شود، درک امنیت و احساس آرامشی است که افراد بعد از قرار گرفتن در یک محیط امن آن را تجربه می‌کنند و به آن اذعان دارند. نکته قابل توجه در این احساس آن است که این درک و احساس کاملاً فردی است و هر کس به فراخور ویژگی‌های شخصی خود آن را تجربه می‌کند. انسان‌ها، بسته به محیط اجتماعی که در آن نشو و نما یافته‌اند - مثلاً شهر و روستا، جنسیت، سن، سواد، سطح فرهنگ، حتی شب و روز و چیزهایی از این قبیل - ادراکات متفاوتی از امنیت دارند. این احساس امنیت، که از آن به آرامش خاطر و اطمینان یاد می‌شود، باید برای تک‌تک افراد ایجاد شود تا امنیت مورد نظر تحقق یابد. بنابراین، بدون این احساس، هر قدر شاخص‌های امنیت مثبت و بالا باشد، گویا تلاش‌ها برای ایجاد امنیت کافی نبوده است. پس، بخشی از تلاش مدیران امنیتی باید به ایجاد این احساس نزد شهروندان معطوف باشد.

آخرین نعمتی که خداوند در این مثال بیان می‌کند، که بعد از دو نعمت قبل تحقق می‌یابد، فراهم شدن رزق فراوان از هر مکان است. این فوران رزق شاید بتوان گفت نتیجه دو نعمت قبلی است. وقتی منطقه‌ای مصون از تعرض باشد و افراد با درک مثبت از این وضعیت به آرامش خاطر

۱. بعضی گفته‌اند آیه مذکور مثلی کلی نیست، بلکه حکایت حال خصوص مکه است (طباطبایی، بیتا: ج ۱۲: ۵۲۲).

برسند، سرمایه‌گذاری در آن سرزمین زیاد می‌شود و در نتیجه روزی به‌وفور یافت خواهد شد؛ به نحوی که احتیاجات آن مردم را کاملاً رفع کند.

در این آیه برای این شهر سه نعمت ذکر شده که هر سه به دنبال هم آمده؛ امنیت، اطمینان، و سرازیر شدن رزق به آنجا از هر طرف. در این شهر خداوند متعال همه نعمت‌های مادی و صوری را برای آن‌ها جمع کرده است. نکته‌ای که در ترتیب این سه نعمت قابل توجه است این است که نعمت اطمینان رابط میان دو نعمت دیگر به شمار می‌رود. چون قریه‌ای که امن باشد و از هجوم اشرار و غارتگران و خون‌ریزی‌ها و به اسارت رفتن زن‌ها و بچه‌ها و چپاول اموال و همچنین نزول بلاهای طبیعی، از قبیل سیل و زلزله، ایمن باشد، مردم در آن اطمینان و آرامش پیدا می‌کنند و مجبور به جلائی وطن و آوارگی نمی‌شوند. از کمال اطمینان صفت سوم پدید می‌آید و آن این است که رزق آن فراوان و ارزان می‌شود. چون از همه قریه‌ها و شهرهای اطراف آذوقه بدانجا حمل می‌شود (طباطبایی ۱۳۶۳: ج ۲۴، ۲۹۶ - ۲۹۷).

نکته مهمی که در ادامه آیه بدان تصریح شده این است که خوف و ترسی که خداوند به عنوان عذاب به آن‌ها چشانده، نه به دلیل کفر اعتقادی اهالی آن شهر به خداوند، بلکه به سبب ناسپاسی و کفران نعمت‌هایی بود که خداوند به آنان ارزانی داشته بود و «سلب این مواهب کمترین مجازاتی است که بر اثر کفران این نعمت‌ها بر افراد وارد می‌شود» (مکارم شیرازی ۱۳۸۰: ج ۱۱، ۴۳۵). توضیح آنکه در گزارشی که قرآن کریم درباره سرنوشت این قریه ارائه می‌کند اعلام می‌دارد به دلیل کفران این نعمت‌ها خداوند عذاب گرسنگی و ترس را به آن‌ها چشانده. کفران نعمت‌هایی که به این شهر اعطا شده بود سبب شد این نعمت از آن‌ها گرفته شود و با کمبود و محدودیت در رزق گرسنگی، به منزله اولین عذاب، رخ نماید. در مرحله بعد محدودیت و کمبود منابع به تعارض منافع افراد، برای کسب سهم بیشتر از منابعی که تا قبل از آن به‌وفور وجود داشت و حالا محدود شده بود، منجر شد. این تعارض منافع به تعرض افراد به یکدیگر کشید و در نتیجه امنیتی که تا قبل از آن وجود داشت جای خود را به ناامنی داد و ترس، به منزله نتیجه ناامنی، دومین عذابی بود که تحقق یافت. با این ترس، آرامش و اطمینانی که قبلاً وجود داشت از بین رفت.

همین دو موضوع برای هر جامعه‌ای می‌تواند تهدید وجودی تلقی شود و موجودیت آن جامعه را به خطر اندازد و در نهایت جامعه را نابود کند.

امنیت در مکه

می‌دانیم که پیش از اسلام امپراطوری‌های بزرگی وجود داشت. اما مکه نه از این امپراطوری‌ها شمرده می‌شد نه زیرمجموعه این امپراطوری‌ها بود. در آن زمان امپراطوری فارس و روم و غیر این‌ها وجود داشت. در جنوب شبه جزیره، یعنی در یمن و عدن، حکومت‌های قدرتمند مستقل یا وابسته به پادشاهی حبشه وجود داشت. اما در مکه هیچ‌گاه حکومتی نیرومند وجود نداشت و نظام قبیله‌ای بر مکه حاکم بود. قبیله قریش بر مکه سیطره داشت. اما حاکمیتی نداشت تا بتواند در برابر دشمنان از مکه دفاع کند. پس از واقعه فیل، اهالی مکه بزرگی و عزتی دوباره یافتند و در سفرهای تجاری کسی در راه متعرض آنان نمی‌شد. بنا بر گزارش سوره قریش^۱ در قرآن، واقعه فیل الفت را بین ساکنان مکه و مشخصاً قریش، در جایگاه بزرگ‌ترین و بانفوذترین قبیله، ایجاد کرد. ایلاف یعنی گرد آمدن آن‌ها پیرامون کعبه و صلح و پیمانشان با هم. آن‌ها در سفرهای تابستانی و زمستانی با هم الفت داشتند. بنابراین در سفرهای شام و یمن از ترس و گرسنگی در امان بودند (صدر ۱۳۹۱: ۱۱۷).

این سوره از یک سو گویای وضعیت ساکنان مکه است و اینکه اهالی آن سرزمین، که از طایفه بزرگ قریش بودند، متوجه جایگاه ویژه خود در آن منطقه شدند و دریافتند تعارض‌هایی که بین طوایف دیگر آن سرزمین‌ها وجود دارد بین آن‌ها وجود ندارد. بدین ترتیب بین آن‌ها انس و الفتی به وجود آمد^۲ که با اتکا به آن می‌توانستند سیادت خود را در جایگاه خادمان خانه خدا و مجاوران کعبه بر دیگران اعمال کنند. و از سوی دیگر ناظر به عملکرد دیگران در قبال ساکنان مکه است.

۱. بسم الله الرحمن الرحيم لِيَلْأَفِ قُرَيْشٍ (۱) إِلْيَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ (۴).

۲. قرآن از این حالت به ایلاف تعبیر می‌کند که در قریش پیرامون کعبه حاکم شد و بینشان پیمان صلح منعقد شد؛ پیمانی که در آن زمان برای اعراب جاهلی، که جنگ‌های چندده‌ساله می‌کردند، امری بدیع و تازه تلقی می‌شد. «ایلاف به معنای اجتماع با همبستگی و الفت است. یعنی قبیله قریش با همبستگی و الفت با هم اجتماع کردند.» (طباطبایی ۱۳۶۳: ج ۴۰: ۴۰۰).

مردم شبه جزیره عربستان با توجه به واقعه‌ای که در زمان آن‌ها روی داده بود و هنوز آن را به خاطر داشتند متوجه جایگاه کعبه و شهر مکه شدند که با معجزه‌ای از هجوم فیل سواران ابرهه نجات یافت. تحقق این معجزه برای مکه به معنای جایگاه خاص این بنا و این شهر و سرزمین و حتی ساکنان آن در نظر دیگران بود؛ جایگاهی که اعراب را از تعرض به مکه و ساکنانش بازمی‌داشت، طوری که می‌توانستند بدون هیچ ترس و واهمه‌ای کاروان‌های بازرگانی خود را به سوی اهداف تجاری عبور دهند. مسیر این کاروان‌ها بنا بر گزارش قرآن در تابستان به طرف منطقه شامات و در زمستان به سوی یمن بود.

موضوع مهمی که باید درباره امنیت مکه بدان پرداخته شود امن بودن کعبه شریف و سریان امنیت به شهر مکه است. در بررسی آیات این دو باید از هم تفکیک شود.

بنا بر آیه ۱۲۵ سوره بقره^۱، ابتدا خانه کعبه به صفت ملجأ و پناهگاه بودن^۲ و نیز ایمنی مردم متصف می‌شود. به این معنا که این خانه برای همه مردم، نه فقط مسلمین، پناهگاه و محلی ایمن است و این امنیت را خداوند برای آن مقرر داشته است. در همین زمینه در آیه ۹۶ و ۹۷ سوره آل عمران^۳ کعبه اولین خانه‌ای معرفی شده که برای مردم ساخته شده و بابرکت است و برای هدایت جهانیان است. در این خانه نشانه‌های روشنی از لطف و ربوبیت خداوند دیده می‌شود و هر کس وارد آن شود ایمن است.

گفتنی است بنا بر آیه شریفه ۱۲۵ سوره بقره، با توجه به عبارت «جَعَلْنَا الْبَيْتَ» این امنیت به خداوند نسبت داده شده و او آنجا را امن و محل مراجعه مردم قرار داده است. بنابراین، امنیت خانه خدا و ایمنی کسانی که به آن وارد می‌شوند با اراده و جعل خداوندی است.

۱. «و إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَاً وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتُنَا لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ.» (بقره/ ۱۲۵).

۲. و مَثَابَةً لِّلنَّاسِ يَعْنِي أَنَّ النَّاسَ يَثُوبُونَ إِلَيْهِ كُلِّ عَامٍ وَ قِيلَ مَثَابَةٌ مَعَاذًا وَ مَلْجَأًا وَ مَجْمَعًا (طبرسی ۱۹۸۶: ج ۱ و ۲، ص ۳۸۲).

۳. إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِّلنَّاسِ لِلذِّكْرِ بُنِيََ لِمَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ (۹۶) فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۹۷).

در ادامه در آیه ۱۲۶ سوره بقره^۱ خداوند می‌فرماید: «و چون ابراهیم گفت پروردگارا اینجا را شهری امن بگردان و از اهلش هر کس را که به خداوند و روز بازپسین ایمان ورزد از فرآورده‌ها روزی ببخش فرمود و هر کس کفر ورزد اندکی بهره‌مندش گردانم و سپس دچار عذاب دوزخش سازم و بدسرانجامی است» (خرم‌شاهی ۱۳۷۶: ۱۹).

بعد از بنای کعبه با این ویژگی‌ها، بنا بر آیه ۱۲۶ سوره بقره، حضرت ابراهیم^(ع) دعا کرد و از خداوند سه نعمت را درخواست کرد. نخست آنکه این مکان را شهر^۲ قرار دهد، دیگر آنکه این واحد اجتماعی که از آن به شهر یاد شده امنیت داشته باشد، و سوم اینکه اهل این شهر از ثمراتی بهره‌مند باشند. این سه تقاضا اجابت شد و عده‌ای از مردم در آنجا سکونت پیدا کردند و شهری به نام مکه پدیدار گشت و ایمنی یافت. به این ترتیب «آنچه مهم است عنایت به تفاوت بین امنیت کعبه است که به درخواست حضرت ابراهیم نبود، بلکه خداوند آن را ابتدائاً مثاب مَطَاف، قبله، و امن قرار داد و امنیت مکه است که به دعای ابراهیم حاصل شد» (جوادی آملی ۱۳۸۳: ج ۶، ۵۶۷). گواه اجابت دعای حضرت ابراهیم آیه سوم سوره تین^۳ است که خداوند به مکه به منزله یک شهر امن سوگند یاد می‌کند.

تا اینجا می‌توان نتیجه گرفت که امنیت از خانه خدا به شهر مکه سرایت کرده و همه آنجا را ایمنی بخشیده است.

آیات ۵۷ سوره قصص^۴ و ۶۷ سوره عنکبوت^۵ گزارشی از ویژگی مکه بیان می‌کنند. موضوعاتی که در دو آیه یادشده مشترکاً وجود دارد نخست حرم بودن و امن بودن آن سرزمین است و دیگری ربایش مردم. در هر دو آیه مراد از حرم مکه است. در آیه اول در پاسخ به بهانه‌جویی کفار در

۱. «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ.» (بقره / ۱۲۶).

۲. اجتماعی از انسان‌ها با مختصات اجتماعی و حقوقی و سیاسی. در این واحد اجتماعی، نظام قبیله‌گی وجود داشت که اگرچه بدوی بود، تحت نظم سیاسی خاصی آن جمعیت در آن جغرافیا به‌سر می‌بردند که می‌شود از آن به عنوان یک دولت - شهر نام برد.

۳. وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳).

۴. «وَ قَالُوا إِن نَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطْفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمْكِن لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْتَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.» (قصص / ۵۷).

۵. «أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يُتَّخِطَفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ.» (عنکبوت / ۶۷).

عدم پذیرش اسلام می‌فرماید ما حرم امنی را به وجود آوردیم که می‌توان به آنجا پناه برد و مورد خطف قرار نگرفت. در آیه دوم قرآن کریم ضمن اینکه خطف را در جامعه آن روز نفی نمی‌کند بیان می‌دارد که مکه مکرمه امن است و این موضوع خارج از حرم رخ می‌دهد. معنای «کلمه تخطف به زبان ساده قاپیدن است. ولی بعضی گفته‌اند این کلمه به معنای این است که شخصی را از همه طرف و همه جهت بربایند و گویا تعبیر از سرزمین استعاره باشد و منظور کشتن و اسیر کردن و غارت باشد. گویا خود آنان و آنچه متعلق به ایشان است، از اهل و مال، همه یکجا قاپیده می‌شود؛ طوری که شهر از ایشان و متعلقاتشان خالی می‌شود.» (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۶، ۸۵).

«چون آن روز عرب کارش غارت یک‌دیگر بود و از چپاولگری امرار معاش می‌کرد و همواره این قبیله به آن قبیله حمله می‌کرد، می‌کشت، و اسیر می‌گرفت؛ ولکن، با همه این احوال، شهر مکه را محترم می‌شمرد و به ساکنان این شهر کاری نداشت» (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۶: ۲۲۶).

بنا به تفسیری که مرحوم علامه از کلمه خطف نقل می‌کند آنچه امنیت را به خطر می‌اندازد عملی ایجابی تحت عنوان ربایش است که متوجه جان و مال افراد می‌شود و خسارت وارد می‌کند. ارتکاب این فعل و انجام آن از سوی افراد تهدید تلقی می‌شود و گویای آن است که امنیت در این آیات از قرآن کریم تهدیدمحور تعریف شده است و طبعاً مصونیت از این تهدید امنیت را برای ساکنان این منطقه تأمین می‌کند. این میزان از امنیت، که افراد از تعرضات احتمالی مصون باشند، در ادبیات امنیت‌پژوهی به امنیت حداقلی تعبیر می‌شود که بعد سلبی امنیت را تحقق می‌بخشد.

موضوع دیگری که همراه و مقارن امنیت در آیه ۵۷ سوره قصص و همچنین در آیه ۱۲۶ سوره بقره آورده شده رزق است. «رزق به عطای دائمی اطلاق می‌شود، خواه دنیوی باشد و یا اخروی. نقیض آن حرمان است. بنابراین، رزق عطایی است که از آن منتفع می‌شوند، خواه طعام باشد یا علم و یا غیر آن» (قرشی ۱۳۶۴: ج ۳، ۸۳). گستردگی معنای رزق به همه چیزهایی که بشر به آن احتیاج دارد و نیازهای او را مرتفع می‌سازد می‌تواند معنای امنیت و تبیین آن را از منظر قرآن کاملاً متحول و دگرگون کند. چون «امنیت از شرایط و زمینه‌های لازم برای رشد و شکوفایی اقتصادی و دادوستد است و وجود آن در مکه عامل تبدیل شدن آن شهر به مرکز عمده اقتصاد و تجارت در جزیره العرب بود؛ به نحوی که بازار در تمام فصول سال رونق داشت و بازرگانان همه گونه

محصولات را به مکه وارد می‌کردند (فعل مضارع «یجیبی» بیانگر استمرار است). مرکزیت یافتن مکه برای تجارت نمودی از تدبیر الهی برای تأمین رزق ساکنان آن بود» (هاشمی رفسنجانی ۱۳۸۹: ج ۱۳، ۵۳۲).

همچنین این گستره معنوی رزق بعد ایجابی امنیت را تقویت می‌کند. توضیح بیشتر اینکه اگر همه آنچه انسان از آن منتفع می‌شود و نیازهای او را برطرف می‌کند فراهم باشد، می‌تواند زمینه‌ساز وضعیتی باشد که تهدیدها منتفی شود. منتفی شدن زمینه تهدید و در نتیجه انتفای تعرض به دلیل برطرف شدن نیازهای انسان در حقیقت تحقق بُعد ایجابی امنیت است. به این ترتیب، با همراهی و مقارنه امنیت و رزق در معنایی که گفته شد، هر دو بعد سلبی و ایجابی امنیت تحقق پیدا می‌کند و امنیت در معنای حداکثری تأمین می‌شود.

نتیجه

برای نتیجه‌گیری، تحقق مؤلفه‌های امنیت ملی در قرآن یک بار دیگر بازبینی می‌شود. گفتنی است این نتیجه‌گیری بررسی این مؤلفه‌ها در قرآن برای امنیت مکه در الگوی امنیت ملی، به منزله یک الگو در مباحث امنیت‌پژوهی، است. صد البته بدیهی است فقدان بعضی از مؤلفه‌ها در امنیت مکه مکرمه نقصی در این متن مقدس محسوب نمی‌شود؛ بلکه بیش از آن دلیلی بر نقص این الگو در موارد مختلف است.

- مرجع امنیت در آیاتی که درباره آن‌ها بحث شد جامعه انسانی با مختصات حقوقی و سیاسی خاص به نام مکه است. شاخص‌های مهم در این اجتماع انسانی نظم سیاسی - حقوقی و ارزش‌های فرهنگی و رفاه اقتصادی است که باید برای افراد تأمین و حفظ شود. تهدید برای هر یک از این موضوعات، به‌ویژه اگر به مرحله تهدید وجودی برسد، موجبات ناامنی و چه‌بسا اضمحلال آن جامعه را فراهم می‌کند.

- برای تحقق ابعاد سلبی و ایجابی امنیت از یک سو مصونیت از تعرض یا به تعبیر دیگر امنیت حداقلی با معجزه مذکور در سوره فیل برای مکه و ساکنان آن مهیا بود و از سوی دیگر فراوانی رزق و همه آنچه نیازهای افراد را تأمین می‌کند به همان دلیل سبب رفاه و آسایش مردم می‌شد. چون فراوانی رزق سبب شده بود نیاز همه افراد تأمین شود و دیگر تعارض منافع و در نتیجه

تعرض افراد به یکدیگر به وجود نیاید. در وضعیت فراوانی رزق و استمرار آن، سرچشمه اصلی تعارضها و تعرضات از بین می‌رود و در نتیجه بعد ایجابی امنیت دائمی و امنیت در معنای کامل و حداکثری تأمین می‌شود.

- تهدید مورد توجه در این آیات فقدان چیزهایی است که مورد نیاز است و از آن به رزق تعبیر می‌شود. رزق بنا بر آنچه مفسرین از معنای آن ارائه داده‌اند - و قبلاً بدان اشاره شد - همه نعمتهایی است که به انسان اعطا می‌شود و با آن نیازهای انسان برآورده می‌شود. با این تعریف گسترده از رزق همه چیزهایی که به نحوی نیازهای انسان را برطرف می‌کند رزق است و باید برای جامعه تأمین شود و فقدان آنها سبب به خطر افتادن امنیت ملی خواهد شد و در مکه فراوانی رزق سبب فقدان این تهدیدها شد.

تهدیدهای پنجگانه نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی که باری بوزان برای تأمین امنیت ملی مطرح کرده بود و با برطرف کردن آنها امنیت ملی تأمین خواهد شد. با توجه به اینکه در قرآن به عنوان شهر امن بعضی از آنها موضوعاً تحقق نیافته بود یا در ظرف زمانی که قرآن کریم نازل شده بود وجود نداشت باید تک‌تک این تهدیدها بررسی شود.

- تهدید نظامی که فرع وجود جغرافیایی مستقل و حفاظت‌شده از دیگران است و با اشغال جغرافیا یا نقض تمامیت ارضی تحقق پیدا می‌کند در جوامع بدوی گزارش شده در قرآن موضوعیت نداشته است.

- تهدید زیست‌محیطی در فقدان جمعیت انبوه و نبود تکنولوژی‌های مخرب محیط زیست اصلاً به وجود نخواهد آمد.

- تهدید سیاسی نیز با توجه به فقدان موجودیتی به نام دولت در معنای امروزی و ثبات سیاسی ناشی از وجود آن فرض ندارد.

- در مورد تهدید اجتماعی باید گفت اجتماع انسان‌ها به صورت جامعه‌ای منسجم با هویتی خاص مبتنی بر ارزش‌های غالباً فرهنگی، به نحوی که افراد در آن هیئت با هم احساس همبستگی کنند و هویت مشترکی برای خود قائل باشند و با آن از دیگران متمایز شوند، موجود مورد نظر این بخش است که می‌تواند تهدید شود. با این توصیفات، تهدیداتی که متوجه مبانی این هویت

مشترک می‌شود و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد همان تهدیدهای اجتماعی است که متناسب با نوع و میزان آن تهدیدها جامعه و افراد واکنش نشان می‌دهند و به مقابله برمی‌خیزند. این نوع تهدیدها در جامعه آن روز وجود داشت. مثلاً قبیله قریش در مکه هویت قبیله‌ای خود و ارزش‌های وابسته به آن، مانند کعبه شریف، کلیدداری آن، پذیرایی از زائران آن، و ... را برای خود حفظ می‌کرد و برای حفظ آن حتی وارد منازعه با قبایل دیگر می‌شد. چاره‌اندیشی بزرگان قریش برای حفظ کعبه شریف به منزله عنصر هویت‌ساز آن مردم می‌تواند مثالی بر وجود این نوع تهدید باشد.

- تهدید اقتصادی صریح‌ترین تهدیدی است که در قرآن به آن اشاره شده است و شاید به همین دلیل است که در آیات مطروحه^۱ در این موضوع انتقال فراوان رزق از همه جا به این محل هم دعای اجابت‌شده حضرت ابراهیم است هم در مثالی که قرآن کریم برای قریه امن می‌آورد بدان تأکید می‌شود. اهمیت این موضوع تا آنجاست که با وجود این نوع تهدید و نبود رزق در دسترس مردم امنیتی که خداوند به این شهرها اعطا کرده بود از بین می‌رود و جای خود را به ناامنی می‌دهد.

با این توضیح می‌توان نتیجه گرفت از مؤلفه‌های گفتمان امنیت ملی معاصر فقط تهدید اجتماعی و اقتصادی در شهر امن قرآن مورد توجه قرار گرفته و مصداق عینی پیدا کرده است و این گفتمان امنیتی که با مؤلفه‌های پیش‌گفته شناسایی می‌شود جایی در قرآن ندارد.

۱. یک بار دیگر این آیات آورده می‌شود:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.» (نحل / ۱۱۲).

«وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَاَمْتَعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ اَضْرَطُّهُ اِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بئسَ الْمَصِيرُ.» (بقره / ۱۲۶).

«وَ قَالُوا اِنْ تَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ تَتَخَطَّفَ مِنْ اَرْضِنَا اُولَئِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِبِي اِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.» (قصص / ۵۷).

منابع

۱. قرآن کریم. (ترجمه خرماهی)
۲. بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها، و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. تاجدینی، علی (۱۳۸۱). فرهنگ جاودان المیزان، تهران، مهاجر.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء، ج ۶.
۵. روشن‌دل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت و نظام بین‌المللی، تهران، سمت.
۶. صدر، موسی (۱۳۹۱). برای زندگی، گفتارهای تفسیری، ترجمه مهدی فرخیان، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۲ و ۱۶.
۸. _____ (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۳، تهران، انتشارات محمدی، ج ۲۷ و ۴۰.
۹. طبرسی، شیخ ابوالفضل (۱۹۸۶). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ج ۱ و ۲.
۱۰. عبدالباقی، محمدفواد (۱۳۷۴). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۱. قاضی شریعت‌پناه، سید ابوالفضل (۱۳۶۸). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۸). تفسیر احسن الحدیث، ج ۳، تهران، بنیاد بعثت، ج ۵.
۱۳. _____ (۱۳۶۴). قاموس قرآن، ج ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱ و ۲ و ۳.
۱۴. مصطفوی تبریزی، حسن (۱۳۷۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۳.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۱). تفسیر نمونه، ج ۲۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱۱، ج ۲۰، ج ۱۸.
۱۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۰). تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب، ج ۱۳.